

محوطه و گورستان قلا بانگ، هفت هزار سال پیشینه سکونت انسان در بیجار گروس

حمید امان‌اللهی

کارشناس ارشد باستان‌شناسی، کارشناس امور پایگاه‌های پژوهشی میراث فرهنگی
amanollahiamid@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۵/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۸/۰۴

چکیده

بقایای باستان‌شناختی به‌دست‌آمده از محوطه قلا بانگ در بیجار کردستان متعلق به ادواری است که شناخت کامل آن ادوار در منطقه هنوز مقدور نشده است. سفال‌های عصر مس-سنگ و مفرغ از آن جمله‌اند. اطلاعات ما از ماهیت کامل محوطه از نظر دوره‌بندی و بازه زمانی محوطه تا زمان متروک شدن آن بسیار اندک و تا حدودی نامطمئن است. به نظر می‌رسد که این محوطه، تسلسلی نسبتاً کامل از آثار ادوار پیش‌ازتاریخ (مس-سنگ و مفرغ) تاریخی (اشکانی و ساسانی) تا دوران اسلامی (قرون میانی) را در بر دارد. خطرات متعددی متوجه این محوطه است که در صورت عدم انجام به موقع بررسی‌ها و کاوش‌های نجات‌بخشی علمی، باقی‌مانده داده‌ها نیز از بین خواهد رفت. حتی اگر خطر خاصی هم این محوطه را تهدید نمی‌کرد، اجرای کاوش و بررسی بر روی محوطه ضروری بود. بنابراین سه هدف عمده در این گزارش و مقاله مد نظر است: ۱. نجات محوطه قبل از تخریب کامل؛ ۲. کسب اطلاعات باستان‌شناختی برای رفع یا کاهش نواقص و ابهامات موجود در تسلسل فرهنگی - تاریخی منطقه و روابط آن با مناطق هم‌جوار در ادوار مختلف؛ ۳. لایه‌نگاری محوطه برای آگاهی کامل‌تر درباره گاهنگاری منطقه.

واژه‌های کلیدی

محوطه قلا بانگ، گورستان، بیجار، کاوش، عصر مس-سنگ و مفرغ، دوران تاریخی، نجات‌بخشی.

مقدمه

میراث فرهنگی و طبیعی هر منطقه بیانگر پیشینه تاریخی، تمدن و فرهنگ، و جاذبه‌های طبیعی آن منطقه است که شکل‌گیری و توسعه آن، طی زمانی طولانی صورت گرفته است. اولین گام در فرآیند توسعه پایدار، شناسایی محیط زیست طبیعی و انسانی، و حفاظت از آن چیزی است که در آن نهفته است، یعنی میراث فرهنگی و طبیعی.

بر اساس بررسی‌ها و شناسایی‌های انجام‌شده، تاکنون در شهرستان بیجار بیش از ۵۰۰ اثر تاریخی و باستانی با قدمت چند هزار سال شناسایی شده که ۱۹۱ مورد آن در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است. قلا بانگ (قلعه بالا) یکی از قدیم‌ترین محوطه‌های ثبت‌شده این منطقه است. اطلاعات ما از ماهیت کامل محوطه از نظر دوره‌بندی و بازه زمانی محوطه تا زمان متروک شدن آن بسیار اندک و تا حدودی نامطمئن است. به نظر می‌رسد که این محوطه، تسلسلی نسبتاً کامل از بقایای فرهنگی ادوار پیش‌ازتاریخ (مس-سنگ و مفرغ) تاریخی (اشکانی و ساسانی) تا دوران اسلامی (قرون میانی) را در بر دارد و این برای منطقه، یک غنیمت به شمار می‌رود. ساخت‌وسازها و تخریب این محوطه باستانی نگارنده را بر آن داشت تا ضمن بازدید از محوطه، گزارشی از وضعیت کنونی آن تهیه کند. هدف از ارائه این گزارش، جلب توجه مسئولان شهری و از همه مهم‌تر سازمان میراث فرهنگی کشور، مدیریت میراث فرهنگی استان کردستان و نمایندگی شهرستان بیجار در محافظت و پژوهش این محوطه، روشن کردن هویت تاریخی شهر بیجار و تبدیل آن به یک سایت-موزه برای بازدید گردشگران بوده است.

از طرفی، تاکنون بخش مهمی از محوطه، بر اثر کاوش‌های غیر مجاز و ساخت‌وسازهای بی‌ملاحظه شهری و دیگر اقدامات عمرانی تخریب شده است. لذا بیم آن می‌رود که اگر اقدام عاجلی به عمل نیاید، از کسب و استخراج باقی‌مانده اطلاعات و داده‌ها نیز محروم شویم. حتی اگر خطر خاصی هم این محوطه را تهدید نمی‌کرد، اجرای کاوش و بررسی بر روی این محوطه ضروری بود. اکنون که روند تخریب و ساخت‌وساز اطراف آن به سرعت ادامه دارد، اجرای چنین طرحی با اضطرار زمانی نیز مقارن است. امیدوار هستیم گزارش این مقاله مقدمه‌ای برای مطالعه جدی‌تر آن در آینده باشد. بنابراین سه هدف عمده در این گزارش و مقاله مدنظر است: ۱. نجات محوطه قبل از تخریب کامل آن؛ ۲. کسب اطلاعات باستان‌شناختی برای رفع یا کاهش نواقص و ابهامات موجود در تسلسل فرهنگی - تاریخی منطقه و روابط آن با مناطق هم‌جوار در ادوار مختلف؛ ۳. لایه‌نگاری محوطه برای آگاهی کامل‌تر درباره گاهنگاری منطقه. امید است به جهت اهمیت پژوهشی این محوطه در

منطقه، تمهیداتی از سوی «پژوهشکده باستان‌شناسی» و «دفتر ثبت آثار و حفظ و احیاء میراث معنوی و طبیعی» برای تعیین عرصه و حریم حفاظتی آن در نظر گرفته شود. همچنین انتظار داریم که از سوی دفتر حفظ و احیاء بناها، محوطه‌ها و بافت‌های تاریخی و میراث فرهنگی استان و شهرستان نیز ابعاد حفاظتی آن مورد توجه قرار گرفته، مقدمات حفظ و حراست و مطالعه بهتر آن در آینده فراهم شود.

موقعیت و مشخصات کلی منطقه

شهرستان بیجار یکی از شهرستان‌های استان کردستان است که در شمال شرق استان در مختصات جغرافیایی $4^{\circ} 47'$ تا $8^{\circ} 47'$ طول شرقی و $5^{\circ} 35'$ تا $9^{\circ} 36'$ عرض شمالی قرار گرفته است. شهر بیجار با ۱۹۴۸ متر ارتفاع از سطح دریا از بلندترین شهرهای ایران است. فاصله آن تا سنندج ۱۳۵ و تا تهران ۴۷۲ کیلومتر است. شهر بیجار از شمال غربی به کوه نقاره‌کوت (کوب) با ارتفاع ۲۲۱۰ متر و از مغرب به کوه نسا با ارتفاع ۲۳۵۰ متر و از جنوب غربی به کوه بادامستان با ارتفاع ۲۲۲۵ متر از سطح دریا محدود می‌شود (تصویر ۱). جمعیت این شهر بر پایه سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ برابر با ۵۶/۸۷۵ نفر است. اهالی شهر به زبان کردی سورانی با گویش گروسی صحبت می‌کنند. در منطقه بیجار گروس به گویش‌های کلهری و گورانی نیز صحبت می‌کنند. مردم این شهر پیرو دین اسلام (تشیع و تسنن) هستند.

منطقه بیجار دارای آب و هوایی سرد و خشک است. در تابستان آب و هوایی گرم تا معتدل و در زمستان آب و هوایی سرد همراه با بارش برف و باران دارد. میانگین بارندگی سالانه در محدوده شهر بیجار ۳۰۰ میلی‌متر است. پرآب‌ترین رودهای منطقه تلوار و چم هستند که از کوه‌های عمدتاً جنوبی منطقه سرچشمه گرفته و به قزله‌زان^۲ (سفیدرود) می‌پیوندند. کوه‌های شمالی شهرستان بیشتر خاکی است و از شمال غرب به جنوب شرق کشیده شده اند و خط‌الرأس آن حد طبیعی بین شهرستان بیجار با شهرستان‌های تکاب و ماه‌نشان است. بلندترین قله‌های این رشته کوه‌ها عبارت‌اند از امامزاده ایوب انصار، زرنیخ و شاه‌نشین. خط‌الرأس کوه‌های جنوب بیجار حد طبیعی بین شهرستان بیجار و شهرستان قروه است و بلندترین قله آن زیره به ارتفاع ۲۶۴۲ متر است. کوه‌های مرکزی بیجار تقریباً موازی با کوه‌های شمالی است که از نزدیکی شهر بیجار و پیرتاج گذشته و به کوه‌های فرقان متصل می‌شود. نوع زمین و ساختمان آن مرکب از سنگ‌هایی رسوبی مخصوصاً ترکیبات رسی و آهکی و شنی مخلوط است که مربوط به دگرگونی‌های دوران سوم زمین‌شناسی است.



تصویر ۱. عکس هوایی سال ۱۳۳۷ شهر بیجار و موقعیت قلا بانگ (مأخذ: سازمان نقشه برداری ایران).

قرار گرفته اند، اما در بیشتر این موارد، توجه قابل ملاحظه‌ای به محوطه قلا بانگ نشده است. برخی از محوطه‌های تاریخی اطراف بیجار و این محوطه طی بررسی‌ها استوارت سوینی در سال ۱۹۷۵ مورد توجه و مطالعه قرار گرفته اند (Swiny, 1975: 77-98). بعد از آقای سوینی زنده‌یاد عزت‌الله نگهبان از این محوطه بازدید و اشاره‌ای به آثار سطحی آن کرده است (نگهبان، ۱۳۸۵: ۱۱۷). حمیدرضا ولی‌پور نیز در سال ۱۳۸۳ از این محوطه بازدید کرده و گزارشی را به اداره میراث فرهنگی بیجار تحویل داده است.

از دیگر بررسی‌هایی که توسط کارشناسان میراث فرهنگی در منطقه گروس شده است، می‌توان به بررسی شهرستان بیجار در سال ۱۳۷۱ به وسیله هوشنگ ثبوتی و همچنین بررسی اقبال عزیزی در سال ۱۳۸۲ در همان منطقه اشاره کرد (عزیزی، ۱۳۸۲). از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۷ شهرستان بیجار دوباره به صورت بخش‌بخش به وسیله محمدابراهیم الیاسوند بررسی شد (الیاسوند، ۱۳۸۵، ۱۳۸۶، ۱۳۸۷).

در سال ۱۳۸۶ به دنبال ساخت سد تلوار بر روی رودخانه تلوار، منطقه پشت سد، که متعاقباً با ساخت سد

این شهر در یک چاله ساختمانی از سازه‌های الیگو میوسن قرار گرفته و اطراف آن را گنبدی‌های طاق‌دیسی آهکی احاطه کرده است و راه‌های ارتباطی شهر از طریق سه دره اطراف آن انجام می‌گیرد (نیری و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۲۴).

پیشینه پژوهش

طبق اسناد به‌دست‌آمده و موجود، از سال ۱۳۲۲ شمسی در سازمان ثبت منطقه ۱۲ کردستان مکاتباتی جهت ثبت این محوطه در فهرست آثار ملی و مقدمات تعیین حریم آن انجام شده بود^۲ تا اینکه این محوطه باستانی در تاریخ ۱۳۳۴/۱۱/۱۱ به شماره ۴۲۰ در فهرست آثار ملی ثبت شده است. در سال ۱۳۵۳ اداره آموزش و پرورش گروس از اداره کل باستان‌شناسی درخواست می‌کند تا حدود و حریم محوطه را مشخص کند تا از این طریق بتوانند از هرگونه تخریب جلوگیری کنند.^۳ لذا این محوطه چنان‌که باید مورد توجه مطالعات باستان‌شناسی قرار نگرفته و در نتیجه، پیشینه پژوهشی قابل‌ذکری برای آن وجود ندارد. البته طی نیم قرن گذشته برخی از محوطه‌های تاریخی اطراف شهر بیجار طی بررسی‌ها یا کاوش‌های باستان‌شناختی مورد توجه و مطالعه

و آگیری آن غرقاب شدند، در محدوده مورد نظر مطالعات باستان‌شناختی (شامل بررسی، شناسایی و کاوش محدود در چند محوطه محدود) انجام گرفت. علاوه بر بررسی‌های تکراری انجام‌شده در منطقه که ذکر آن رفت، امیر ساعد موچشی در سال ۱۳۹۰ رساله دکتری خود را با عنوان *بررسی الگوهای استقرار محوطه‌های دوران مس و سنگ شرق استان کردستان [بیجار]* تدوین کرد (ساعد موچشی، ۱۳۹۰). گزارش‌های مطالعات یادشده در آرشو پژوهشکده باستان‌شناسی و اداره کل میراث فرهنگی استان کردستان نگهداری می‌شود.

روند ساخت‌وسازها و تخریب این محوطه تاریخی از سال ۱۳۸۵، نگارنده را بر آن داشت تا ضمن بازدید از سطح محوطه در چند نوبت، گزارشی از وضع کنونی این محوطه تهیه کند و به جهت اهمیت پژوهشی آن در منطقه، نسخه‌ای از آن را به پژوهشکده باستان‌شناسی و نسخه‌ای را به منظور تعیین عرصه و حریم حفاظتی به دفتر ثبت آثار و حفظ و احیای میراث معنوی و طبیعی، و مهم‌تر از آن نسخه‌ای را نیز برای پرداختن به مسائل حفاظتی به دفتر حفظ و احیای بناها و محوطه‌های تاریخی ارسال کند. در نهایت پژوهشکده باستان‌شناسی بر اساس گزارش‌های ارسالی، مقدمات حفظ و حراست و مطالعه بهتر محوطه با معاونت میراث فرهنگی کشور و اداره کل میراث فرهنگی استان کردستان جهت تأمین اعتبار لازم برای تعیین حریم و کاوش آن مکاتبه کردند.^۵ اداره کل میراث فرهنگی استان کردستان نیز در راستای مکاتبه پژوهشکده باستان‌شناسی، اعتبار لازم جهت کاوش باستان‌شناسی اضطراری محوطه را از سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان کردستان درخواست کردند.^۶ پس از پیگیری‌های لازم، در نهایت پژوهشکده باستان‌شناسی طرح پژوهشی و پروپوزال مربوطه را جهت طرح و بررسی موضوع در شورای پژوهشی درخواست کردند. بعد از تهیه و ارسال پروپوزال، جلسه شورای پژوهشی در پژوهشکده باستان‌شناسی در مورخه ۱۳۹۷/۳/۶ با شماره ۹۷۵۳۲۵۴۹ برگزار شد. پس از ارائه گزارش از وضعیت محوطه و دفاع از پروپوزال در این جلسه، نهایتاً مقرر شد تأمین اعتبار طرح پژوهشی در دستور کار پژوهشکده قرار گیرد.

وضعیت کنونی محوطه قلا بانگ

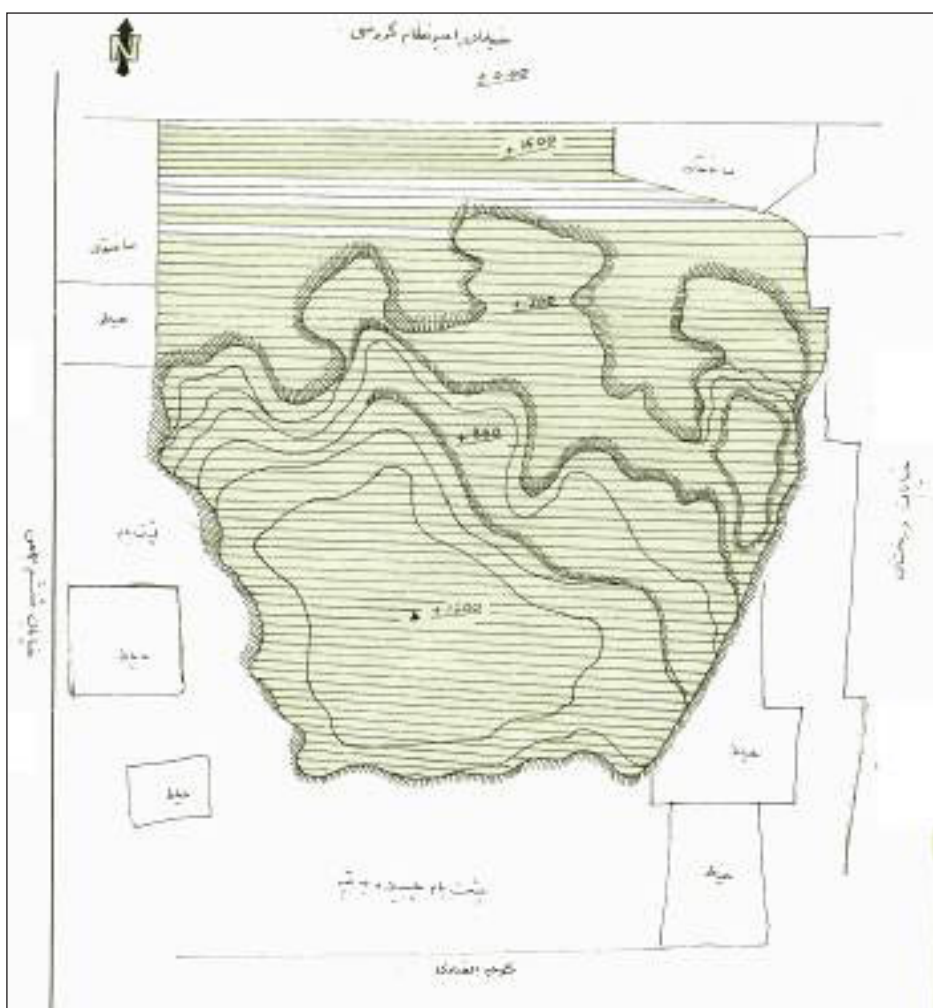
محوطه قلا بانگ در مرکز شهر و در جنوب و جنوب شرقی بازار قدیمی، مسجد جامع و کاروانسرای قدیمی نزدیک بازار در مختصات جغرافیایی $34^{\circ} 36' 47''$ طول شرقی و $28^{\circ} 19' 35''$ عرض شمالی قرار گرفته است (تصویر ۲ و نقشه ۱)، از این رو به احتمال برخی از لایه‌های بالایی محوطه می‌تواند در بازسازی بافت قدیم شهر بیجار راهگشا باشد.

وسعت و محدوده محوطه به مراتب از گستره کنونی بیش‌تر بوده است. بنابراین عمده تخریب محوطه به علت احداث خیابان‌های توحید در سال ۱۳۳۵ و خیابان اردلان در سال ۱۳۴۸ و خانه‌سازی‌های اطراف و تصرفات غیر قانونی اتفاق افتاده و بخش زیادی از محوطه اصلی در زیر ساخت‌وسازهای مسکونی و تجاری اطرافش قرار گرفته و در حال نابودی است (نقشه ۲).

ابعاد تقریبی وضع موجود محوطه 50×30 متر (۱۵۸۹ متر مربع) و ارتفاع آن از کف خیابان اردلان بیش از ۲۰ متر است (تصویر ۳). در حال حاضر این محوطه به صورت کامل بین بناهای مسکونی و تجاری محصور شده است (تصویر ۴) به طوری که دسترسی به محوطه به سادگی میسر نیست. سطح بالایی محوطه تا حدودی سالم باقی مانده است. دامنه محوطه به انحاء مختلف به شدت دستخوش تخریب شده و هر روز شاهد تخریب عرصه و حریم آن هستیم (تصویر ۵). در بعضی قسمت‌ها آثار برش خاک به صورتی است که در آن قسمت‌ها می‌توان لایه‌های متعدد باستانی را که بر روی هم قرار گرفته است به‌وضوح مشاهده کرد (تصویر ۶) در واقع بخش بزرگی از شیب و دامنه‌های آن بریده شده است. شوربختانه به دلیل فرسایش فراوان سطح محوطه و ریزش آن از سطوح بالا به قسمت‌های پایین، ساخت‌وسازهای بی‌رویه اطراف، تراکم دورریزهای خانگی و تجاری بناهای اطراف به‌ویژه انباشت زباله‌های آزمایشگاه پزشکی (ضلع شمالی محوطه) نظیر سرنگ و سوزن در سطح این محوطه، نمونه‌برداری از داده‌های فرهنگی سطح محوطه به‌سختی امکان‌پذیر است. بنابراین قبل از هر اقدامی، محوطه به یک پاک‌سازی جدی نیاز دارد. با اوصاف پیش‌گفته، سعی شد تعدادی نمونه سفالی قابل مطالعه جهت معرفی و ارائه گزارش از سطح محوطه انتخاب شود. البته با توجه به تراز منفی بازار قدیم بیجار و برخی بناهای قدیمی دیگر نظیر کاروانسرا و تیمچه امیر تومان که چند متر پایین‌تر از سطح خیابان و کوچه‌های اطراف محوطه قرار دارند، به‌احتمال بخشی از لایه‌ها و نهشته‌های باستانی در زیر بازار، تیمچه و خیابان‌های پیرامون پنهان شده است.

نمونه‌های سفال سطحی^۷

قبل از هر چیز یادآوری این نکته ضروری است که تاکنون هیچ‌گونه مطالعه گونه‌شناختی در مورد آثار سطحی از جمله مجموعه سفال‌های این منطقه به انجام نرسیده تا بتوان بر اساس آن به معرفی و طبقه‌بندی سفال‌های این محوطه پرداخت. مطالبی که در اینجا ارائه می‌شود صرفاً بر اساس اطلاعات محدود نگارنده از سفال‌های شناخته‌شده از سایر مناطق و بر اساس مطالعات تطبیقی است. بنابراین گزارش



نقشه ۲. کروکی محوطه به همراه محدوده حفاظت شده تهیه کننده فائق توحیدی در دهه ۱۳۶۰ شمسی (مأخذ: پرونده ثبتی اثر).



تصویر ۴. نمایی از محوطه و بناهای مسکونی و تجاری ساخته شده پیرامون آن (عکس از: نویسنده).



تصویر ۳. نمایی از محوطه و تنها مسیر دسترسی آن (عکس از: نویسنده).



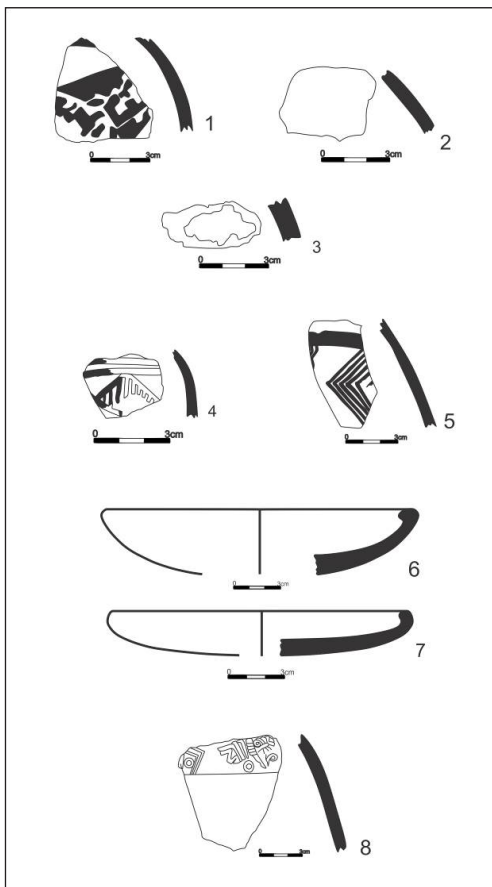
تصویر ۶. نمای دیگر از برش محوطه به همراه لایه‌های متعدد باستانی (عکس از: نویسنده).



تصویر ۵. نمای دیگر از تخریب با ساخت‌وساز بناهای مسکونی (عکس از: نویسنده).

می‌شود که دارای پوشش نخودی با تزئین هندسی به رنگ قهوه‌ای روشن و تیره است (تصویر ۷). اگرچه این قطعه سفال مشخصه‌ واضحی از نظر فرم و شکل ندارد و متعلق به بدنه ظرف است، اما از نظر پوشش و نوع نقش آن به سفال‌های دوره مفرغ شبیه است. تعداد دیگری قطعه سفال با پوشش

حاضر فقط پیش‌درآمدی برای مطالعه آن در آینده است. با توجه به قطعات اندک سفال‌های جمع‌آوری شده، به نظر می‌رسد این محوطه آثاری از دوران پیش‌از تاریخ (مس سنگی و مفرغ) تاریخی (اشکانی و ساسانی) تا اسلامی (قرون میانی) را در خود جای داده باشد. در میان نمونه‌ها قطعه‌ای دیده



تصویر ۷. تصاویر و طرح قطعات معدود از سفال‌های بازدید سطحی (عکس و طرح: نویسنده)

قرمز و سیاه و خاکستری براق با شاموت شن و کاه در لبه به چشم می‌خورد که شباهت زیادی به سفال‌های سبک و پوک صیقلی (دوره مس و سنگ زاگرس مرکزی) دارد. قطعه سفال‌های این محوطه، از نظر نقش، رنگ پوشش، ساختار، و تمپر با نمونه‌های محوطه‌های گیان، گودین و گورستان‌های کاوش‌شده در لرستان توسط واندنبرگ شباهت دارد. این نکته می‌تواند در بررسی روابط احتمالی برون‌منطقه‌ای در دوران مورد بحث حائز اهمیت باشد.

البته به نظر می‌رسد برخی از قطعات سیاه و خاکستری براق که تعداد آن‌ها نیز در سطح محوطه فراوان است مربوط به عصر مفرغ باشد. در این صورت احتمال استقرار عصر مفرغ این محوطه قابل توجه است. در داخل نمونه‌های موجود، قطعه سفالی که به احتمال مربوط به عصر آهن بود، جهت آزمایش سال‌یابی به پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری (پژوهشکده آثار تاریخی - فرهنگی) ارسال شد. قدمت قطعه سفال ارسالی 220 ± 2726 یعنی دوره آهن III تخمین زده شد. بنابراین می‌توان گفت وجود سفال‌های عصر آهن در این محوطه قطعیت دارد. با توجه به درصد بیشتر نمونه‌های سفالی، که مربوط به دوره تاریخی به‌ویژه دوره پارت و ساسانی است، احتمالاً استقرار دوران تاریخی در این محوطه نیز پررنگ و قابل توجه است. علاوه بر نمونه‌های معرفی‌شده در بالا، سفال‌های بدون لعاب و لعابدار مربوط به دوره اسلامی در سطح محوطه نیز به چشم می‌خورد، بنابراین آخرین استقرار این محوطه مربوط به قرون میانی اسلامی (قبل از صفوی) است (جدول ۱).

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

با توجه به نمونه‌های سفالی جمع‌آوری‌شده می‌توان گفت که این محوطه آثاری از دوران پیش از تاریخ تا دوران اسلامی را در بردارد. در این میان به نظر می‌رسد استقرارهای عصر مفرغ و دوره تاریخی این محوطه اطلاعات ذی‌قیمتی را در اختیار محققان قرار دهد. با توجه به بررسی‌های محدودی که در اطراف شهر بیجار به انجام رسیده است، این محوطه از دیدگاه توالی لایه‌های دوران مختلف حائز اهمیت مطالعاتی فراوان است. کاوش نجات‌بخشی و لایه‌نگاری این مکان نیز می‌تواند به مثابه شاخصی برای گاه‌نگاری مجموعه سفالی حوزه جغرافیایی گروس (بیجار) که از بررسی‌های باستان‌شناختی به دست می‌آید، در نظر گرفته شود. بنابراین بر اساس موقعیت اثر و اهمیت و کیفیت آن، موارد زیر در سه بند جدا و مرتبط به هم به عنوان برنامه حفاظتی، پژوهشی و معرفی این محوطه تکلیف و پیشنهاد می‌شود:

۱. برنامه حفاظتی

برای جلوگیری از تخریب بیشتر محوطه ضروری است یک مجموعه اقدامات و فعالیت‌های حفاظتی انجام شود. نخست، لازم است اداره میراث فرهنگی استان نسبت به حصارکشی و نصب تابلوی معرفی اثر اقدام کند.

دوم، لازم است محدوده عرصه محوطه برای محافظت تعیین شود و برای آن در مقابل آسیب‌های بیشتر ضوابط حریم تدوین شود.

سوم، مشکل دیگری که محوطه قلا بانگ را تهدید می‌کند، ساخت‌وسازهای پیرامون آن، ریختن زباله، و... است که به سرعت در حال انجام است. لازم است از این اقدامات جلوگیری شده و بعد از تعیین عرصه و پیشنهاد حریم، محوطه از بناهای اطراف که در عرصه و حریم واقع شده اند پاک‌سازی شود.

۲. پژوهشی

آن‌چنان‌که در بالا نیز آمده است، مقاله حاضر صرفاً گزارشی از یک بازدید است. امیدواریم گزارش این مقاله مقدمه‌ای برای مطالعه جدی‌تر آن در آینده باشد. اطلاعات ما از محوطه، دوره‌بندی و بازه زمانی استفاده از آن تا زمان متروک شدن بسیار اندک و تا حدودی نامطمئن است. برای آگاهی کامل‌تر درباره این محوطه باید کاوش‌ها در سطح وسیع و گسترده انجام شود. علاوه بر این‌ها جهت دستیابی به اطلاعات دقیق‌تر گاه‌نگاری، ضروری است گمانه لایه‌نگاری در محوطه نیز ایجاد شود.

با توجه به این‌که در این منطقه هیچ‌گونه مطالعه منسجمی صورت نگرفته و شناختی از دوره‌های مختلف این منطقه در دست نیست، مطالعات گاه‌نگارانه را نمی‌توان فقط به اقدامات مقایسه‌ای و تطبیقی صرف محدود کرد. در مطالعه محوطه مورد بحث، علاوه بر شناسایی لایه‌های محوطه، روش سال‌یابی کربن ۱۴ می‌تواند کمک شایانی کند. بنابراین آزمایش‌های گاه‌نگاری مطلق از جمله اهداف کاملاً ضروری در کاوش این محوطه است. از دیگر عملیات مفید گاه‌نگارانه که می‌توان بر روی بقایای سفالی محوطه انجام داد، آزمایش ترمولومینیسانس است که خوشبختانه توانستیم یک نمونه سفال را مورد آزمایش قرار دهیم. همچنین در صورتی‌که از درون ترانشه یا ترانشه‌هایی که کاوش خواهد شد، بقایای گیاهی و استخوانی^۱ قابل آزمایش به دست آید، انجام یک مجموعه آزمایش در این زمینه ضروری خواهد بود. لازم به ذکر است که از جمله اقداماتی که متأسفانه در کاوش‌های باستان‌شناختی امروزه در ایران کمتر بدان توجه می‌شود، وضعیت دیرین اقلیم‌شناختی مناطق مورد مطالعه است. در باستان‌شناسی امروز جهان، این نکته قویاً مورد

جدول ۱. مشخصات سفال‌های بازید سطحی (تهیه از نویسنده).

قدمت	محل نقش		میزان پخت	پرداخت		پوشش		رنگ			شاموت	تکنیک ساخت	نوع قطعه	شماره
	بیرونی	داخلی		بیرونی	داخلی	بیرونی	داخلی	خمیره	داخلی	بیرونی				
مس سنگ	نوارهای پهن سیاه	-	ناکافی	-	-	گلی غلیظ	گلی غلیظ	نخودی	نخودی	نخودی	شن نرم	چرخ‌ساز	بدنه	۱
مس سنگ	-	-	ناقص	صیقلی	-	گلی غلیظ	گلی غلیظ	قهوه‌ای	قهوه‌ای	قهوه‌ای	شن	دست‌ساز	بدنه	۲
مس سنگ	-	-	ناکافی	صیقلی	-	گلی غلیظ	گلی غلیظ	سیاه	قرمز	قرمز	گیاهی	دست‌ساز	بدنه	۳
مفرغ	لوزی با خطوط هاشموری	-	ناکافی	-	-	گلی غلیظ	گلی غلیظ	نخودی	نخودی	نخودی	شن نرم	چرخ‌ساز	بدنه	۴
مفرغ	نوار پهن افقی و لوزی‌های آویزان درهم	-	ناکافی	-	-	گلی غلیظ	گلی غلیظ	نخودی	نخودی	نخودی	شن نرم	چرخ‌ساز	بدنه	۵
تاریخی	-	-	ناکافی	-	-	گلی غلیظ	گلی غلیظ	سیاه	آجری	آجری	شن	چرخ‌ساز	لبه	۶
تاریخی	-	-	ناکافی	-	-	گلی غلیظ	گلی غلیظ	سیاه	آجری	آجری	شن	چرخ‌ساز	لبه	۷
اسلامی (میانی)	نقوش استامپی	-	کافی	-	-	گلی غلیظ	گلی غلیظ	نخودی	نخودی	نخودی روشن	شن نرم	چرخ‌ساز	بدنه	۸

توجه قرار دارد و برای ادوار مختلف گذشته، حتی‌الامکان نمودارهای اقلیم‌شناختی تهیه می‌شود که در تفسیر داده‌ها و مدارک باستان‌شناختی و تحکیم یا تضعیف تفسیرهای قبلی کاربرد پیدا می‌کند. اگر چه گزارش‌های دیرین اقلیم‌شناختی از برخی پژوهشگران دهه‌های پیش مثل «زیست Zist» و «بوتما Bottema» درباره‌ی مناطقی از کرمانشاه و کردستان در دست هست، اما پژوهش‌های بیش‌تر در این زمینه، از ضرورت‌های شناخت دقیق‌تر ما از اوضاع عمومی منطقه در هزاره‌های پیشین است.

بنابراین با توجه به اندک اطلاعات موجود از یافته‌های سطحی این محوطه و نیز برخی اطلاعات کلی و محدود از دیگر محوطه‌ها و مناطق اطراف، به نظر می‌رسد که سکونت دائم در این محوطه حداقل از هزاره‌ی پنجم پیش از میلاد آغاز شده باشد. با نیم‌نگاهی با داده‌های دیرین اقلیم‌شناختی، می‌توان این احتمال را مطرح ساخت که این منطقه در ادواری که زمین گرم‌ترین دوره‌ی خود را طی چند هزار سال اخیر می‌گذرانده، از اقلیم و محیط‌زیستی مناسب برخوردار بوده است. به طوری که جوامع آن زمان اقامت دائم در منطقه را برگزیده اند (مقصودی و دیگران، ۱۳۹۳). اینکه تغییرات فرهنگی و تاریخی این محوطه در ادوار مختلف تا چه حد با دیگر مناطق همخوانی داشته است، از جمله‌ی موضوعات این پژوهش خواهد بود.

با توجه به موقعیت استراتژیکی، محوطه در مرکز شهر بیجار و در گذرگاه بین شمال غرب، زاگرس مرکزی و نیز بخش غربی شمال فلات مرکزی ایران قرار گرفته است. لذا با کاوش در این محوطه می‌توان به شناسایی، رده‌بندی، و طبقه‌بندی مواد فرهنگی حاصل از کاوش پرداخت. همچنین با مقایسه‌ی مواد فرهنگی آن با مواد فرهنگی محوطه‌های شاخص پیرامون به ارتباطات فرامنطقه‌ای پی برد و برهم‌کنش‌های فرهنگی با مناطق نامبرده را آشکار کرد. بنابراین چه اینکه لایه‌های تاریخی - فرهنگی در این محوطه حضور دارند، تداوم زمانی این لایه‌ها، ویژگی‌های فرهنگی آن‌ها، کیفیت و وسعت روابط جوامع مربوطه با مناطق اطراف در هر دوره، و ... از جمله پرسش‌های مطرح در این پژوهش است.

علاوه بر آن این پرسش مطرح است که آیا ساکنان محوطه در حدود هزاره‌ی پنجم پیش از میلاد در خط ارتباطی بین‌النهرین، زاگرس، قفقاز نقشی داشته اند یا نه؟ نگارنده معتقد است که نه تنها چنین وضعیتی برقرار بوده، بلکه به‌احتمال آنان نقش قابل ملاحظه‌ای نیز داشته اند. با اجرای این کاوش می‌توان به سؤالاتی در این زمینه پاسخ داد.

علاوه بر آن این محوطه به نوعی شناسنامه‌ای تاریخی برای استقرار انسان در طول دوران گذشته در محدوده‌ی کنونی شهر بیجار است و از این نظر می‌تواند این شهر را نیز در

کانون توجه باستان‌شناسان و اولیای امور قرار دهد. در واقع وجود چنین توالی فرهنگی از بقایای متعلق به جوامع گذشته، غنیمتی است که به سادگی در دسترس قرار نمی‌گیرد. بنابراین جدای از بحث نجات‌بخشی، از نظر نگارنده تردیدی نیست که بررسی، کاوش، و مطالعه‌ی آثار این محوطه، نقطه‌ی عطفی در تاریخچه‌ی باستان‌شناسی این منطقه خواهد بود و معماهایی از ادوار مختلف پیش‌ازتاریخ، تاریخی، و دوران اسلامی در منطقه‌ی شمال غرب را روشن خواهد کرد. لذا پیشنهاد می‌شود که پژوهشکده‌ی باستان‌شناسی پیگیری‌های لازم جهت تحقق چنین امری را فراهم سازد.

۳. معرفی

با انجام کاوش‌های باستان‌شناختی به‌ویژه باستان‌شناسی شهری می‌توان به معرفی اثر و جاذبه‌های تاریخی و طبیعی منطقه نیز پرداخت. با توجه به اینکه صنعت گردشگری می‌تواند حلقه‌ی مفقوده‌ای برای ارتباط میان علم باستان‌شناسی با سایر علوم و مشاغلی باشد که به صورت مستقیم یا غیر مستقیم به کسب درآمد می‌پردازند، لذا پیشنهاد می‌شود با توجه به پتانسیل‌های موجود، این محوطه به عنوان سایت-موزه معرفی شود.

پی‌نوشت‌ها

۱. قلا بانگ (Qalā-bāneg): عده‌ای به این محوطه، قلعه بانو می‌گویند که درست نیست، زیرا «بان» در زبان کردی به معنای بالا و «بان گ» به معنی بالایی است. گ پ (با گاف فارسی اشتباه نشود) یک صدای اوستایی است که در کردی گروسی باقی مانده و در کلماتی چون گه-گ (سیرابی) و غیره کاربرد دارد اما چون یهودی‌ها بیجاری نمی‌توانستند صدای گ پ را ادا کنند به جای آن از دو «وو» استفاده می‌کردند. مثلاً به چایگ (سرد) چایوو می‌گفتند و یا کلمه‌ی بانگ را بانوو ادا می‌کردند. باید گفت که در اینجا بانوو به معنای خانم نیست.

۲. نام این رود تا دوره‌ی صفویه سپیدرود و یا سفید جوی ذکر شده است (نجفی، ۱۳۶۹: ۵۲۱).

۳. تاریخ ۲۵۳۶/۹/۶

شماره ۵۷۳۳

وزارت دادگستری

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

ثبت منطقه ۱۲ کردستان

به: اداره‌ی محترم کل ثبت منطقه ۱۲ کردستان

از: ثبت اسناد گروس

موضوع: محوطه قلعه بالا

عطف به مرقومه شماره / ۴۴۹۹ - ۱ - ۲۵۳۶/۸/۲۸ به استحضار می‌رساند

طبق یک فقره المثنی اظهارنامه‌ی ثبتی شهرداری بیجار شش‌دانگ اراضی و محوطه‌ی خاک معروف به اراضی قلعه بالا پلاک شماره ۱۹۴ اصلی واقع در بخش یک شهرستان بیجار را در تاریخ ۱۳۲۲/۹/۱ درخواست ثبت نموده جریان مقدماتی پرونده خاتمه یافته لیکن بر اثر سوختگی پرونده‌ی ثبتی در حادثه‌ی حریق سال ۱۳۲۶ و از بین رفتن صورت‌مجلس تحدیدی مجدداً پلاک فوق را در آگهی‌های تحدیدی

عمومی منظور نموده اند که چندین بار به علت عدم حضور مالک از نوبت تحدید خارج گردیده بالاخره برابر صورتمجلس وارده به شماره ۳۳۵۰/۳۳۵۷ - ۱۳۲۲/۵/۷ تحدید حدود به عمل آمده است.

- اداره فرهنگ گروس ضمن نامه شماره ۵۸۲۰/۵۸۲۰ - ۱۳۳۱/۸/۱۷ با ارسال رونوشت نامه‌های ۴۳۳۶/ب مورخه ۱۳۳۹/۸/۴ و ۳۷۷۲/ب - ۱۳۳۹/۷/۱۲ اداره کل باستان‌شناسی اعلام نموده که محوطه موسوم جزو آثار باستانی تشخیص و تقاضا نموده اند که از هرگونه نقل و انتقال و تجاوز به آن خودداری شود ولی قبل از وصول نامه‌های مرقوم بر اثر تقاضای مالک به موجب صورت‌مجلس تفکیکی شماره ۵۹۶/۱۳۳۶/۲/۴ - ۲۰۰۷ - ۱۳۳۷/۴/۲۹ و ۱۳۷۷ مورخه ۱۳۳۷/۲/۲۱ شش قطعه و ۳۹۵۴ مورخه ۱۳۳۸/۶/۱۸ و ۴۳۹۵ - ۱۳۳۸/۷/۴ شش قطعه و بعد از وصول نامه‌های مرقوم طبق صورت‌مجلس شماره ۵۷۲۶ - ۱۳۴۰/۷/۲۰ و ۸۱۲۹ - ۱۳۴۰/۱۰/۲۳ - ۵۲۰ - ۱۳۴۱/۱/۲۳ و ۱۵۷۴ - ۱۳۴۲/۲/۳۰ چهار قطعه دیگر تحت پلاک‌های فرعی از اصلی مرقوم تفکیک و برابر اسناد رسمی شماره‌های ۲۳۲۲ مورخه ۱۳۳۷/۳/۱ و ۲۳۲۲ - ۲۳۲۲ - ۲۴۵۷ و ۱۳۳۷/۶/۱۵ - ۳۲۲۴ - ۱۳۳۷/۶/۲۳ - ۳۲۲۴ و ۳۰۶۸ مورخه ۱۳۳۸/۱۲/۲ - ۱۳۰۹۵ - ۱۳۳۹/۲/۱۷ - ۵۵۹۲ - ۱۳۴۰/۷/۲۶ و ۵۹۸۷ - ۱۳۴۰/۴/۱۱ - ۷۴۰۵ مورخه ۱۳۴۲/۳/۲ دفاتر اسناد رسمی شماره‌های ۲ و ۳ گروس از طرف شهرداری بیجار به اشخاص انتقال قطعی یافته است ضمناً چون تاریخ احداث بنا در قطعات انتقالی در پرونده منعکس نمی‌باشد اعلام آن برای این اداره مقدر نیست.

گیرنده رونوشت

به جای رئیس ثبت گروس - ناطق

اداره محترم کل فرهنگ و هنر استان کردستان جهت استحضار

تاریخ ۱۳۵۳/۲/۳۱

شماره ۱۴۸۹

وزارت آموزش و پرورش

اداره آموزش و پرورش گروس

با اینکه اداره کل باستان‌شناسی و فرهنگ عامه ضمن نامه شماره ۴۷/۳/۳۰ - ۵۱۳۵۷۶ صادره به عنوان فرمانداری بیجار محوطه قلعه بالا واقع در شهر بیجار را که در ردیف ۴۲۰ فهرست آثار ملی به ثبت رسیده یکی از اطلال باستانی و باارزش کشور اعلام نموده مع‌الوصف با همه مکاتباتی که در این مدت به عمل آمده و اداره ثبت اعلام نموده باید محدوده و حریم این محوطه مشخص گردد تا از تجاوز بیشتر مصون باشد علاوه تکلیف اداره ثبت نسبت به مستغلاتی که در مجاورت و حریم محوطه واقع و تاکنون اسناد مالکیت آنها صادر نشده معلوم شود متأسفانه تاکنون اقدام اداره کل باستان‌شناسی محدود به صدور نامه‌هایی به این اداره و شهربانی و غیره بوده در صورتی که چنانچه واقعاً این محل از اطلال باستانی باارزش کشور می‌باشد باید برای تشخیص محدوده آن توجه بیشتری مبذول گردد و محدوده آن با نظر کارشناسان اداره کل باستان‌شناسی تعیین و مشخص گردد خواهشمند است برای دعوت کارشناسان اداره کل باستان‌شناسی اقدام فرمایید تا حدود و حریم محوطه مشخص و راه هرگونه تجاوزی نسبت به آن مسدود گردد و در صورت مراجعه کارشناسان، بدیهی است با حضور نمایندگان فرمانداری به شهرداری و آن اداره و اداره ثبت اقدام لازم معمول خواهد شد.

رئیس ثبت گروس - شریعتی

رونوشت جهت اطلاع اداره کل باستان‌شناسی ایفاد می‌گردد خواهشمند است از اقدامی که در این باره مبذول می‌فرمایند این اداره را مستحضر فرمائید. م

رئیس اداره آموزش و پرورش گروس - منوچهری

۵. شماره ۹۵۳۱۴۱/۳۴/۱۹۲۷

تاریخ ۱۳۹۵/۳/۲۴

جناب آقای دکتر محمدحسن طالبیان

معاون محترم میراث فرهنگی

موضوع: در خصوص محوطه باستانی محوطه قلعه بالا (بانو)

با سلام:

در خصوص بازدید مقدماتی جناب آقای حمید امان‌الهی از محوطه باستانی قلعه بالا (بانو)، به استحضار می‌رساند با توجه به شرایط نامناسب حفاظتی این محوطه ارزشمند و همچنین با عنایت به ضرورت برنامه کاوش و مطالعات آن، خواهشمند است دستور فرمایید نسبت به تأمین اعتبار لازم برای تعیین عرصه و حریم و کاوش آن اقدام گردد.

حمیده چوبک

رئیس پژوهشکده باستان‌شناسی

رونوشت:

جناب آقای سیدمحسن علوی، مدیر کل محترم میراث فرهنگی،

صنایع دستی و گردشگری استان کردستان

سرکار خانم فاطمه فرشی جلالی، مسئول محترم صدور مجوزهای

باستان‌شناسی

تاریخ ۹۵/۴/۲۴

شماره ۹۵۲۱۲۹/۱۳۰۸۷

جناب آقای بهرام نصراللهی‌زاده

ریاست محترم سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کردستان

موضوع: درخواست تأمین اعتبار جهت کاوش باستان‌شناسی اضطراری

محوطه قلعه بالا بیجار

با سلام:

احتراماً، به استحضار می‌رساند در بافت مرکزی شهر بیجار محوطه‌های باستانی و ارزشمند از نظر پژوهش‌های باستان‌شناختی قرار دارد که با توجه به بررسی کارشناسان این اداره کل، آثاری از هزاره پنجم پیش از میلاد تا اواسط قرون میانی اسلامی را در خود محفوظ داشته است و نظر به ساخت‌وسازهای موجود در پیرامون اثر (عرصه و حریم) و زباله‌دانی شدن محل محوطه قلعه بالا و لزوم انجام کاوش‌های اضطراری و انجام اقدامات در راستای پژوهش‌های باستان‌شناختی و نیز مکاتبه سازمان مرکزی که نامه آن نیز به پیوست است خواهشمند است عنایت فرمایید نسبت به تأمین اعتبار فصل نخست کاوش‌های باستان‌شناسی در محوطه قلعه بالا اوامر مقتضی را معمول و از نتیجه این اداره کل را مطلع فرمایید.

بدیهی است کل اعتبارات پژوهش‌های باستان‌شناسی این اداره کل در سال ۱۳۹۴ در حدود ۵۵۰ میلیون ریال بوده است که کفاف تنها یک بررسی ساده باستان‌شناسی در محدوده یک شهرستان استان را نخواهد داد و کاوش قلعه بالا در فصل نخست مستلزم هزینه‌ای در حدود هشتصد میلیون ریال پیشنهاد می‌باشد.

سیدمحسن علوی

مدیر کل

رونوشت:

جناب آقای محمد رشیدی، معاون محترم میراث فرهنگی استان

کردستان

جناب آقای محمدابراهیم الیاسوند، مسئول محترم نمایندگی بیجار

استان کردستان

جناب آقای زاهد کریمی، کارشناس محترم باستان‌شناسی استان

کردستان

۷. از بانو روناک احمدنیا به جهت طراحی فنی سفال‌ها کمال تشکر را

- عزیزی، اقبال. (۱۳۸۲). بررسی باستان‌شناختی منطقه بیجار. آرشیو میراث فرهنگی استان کردستان (منتشر نشده).
- ثبوتی، هوشنگ. (۱۳۷۱). گزارش بررسی شهرستان بیجار (فصل اول). آرشیو میراث فرهنگی استان کردستان (منتشر نشده).
- مقصودی، مهران و منصور جعفر بیگلو و امید رحیمی. (۱۳۹۳). «شواهد رسوبی تغییرات اقلیمی در دریاچه زربار طی دوره هولوسن». در مجله پژوهش‌های جغرافیای طبیعی، سال ۴۶، ش ۱، ص ۴۳-۵۸.
- نگهبان، عزت‌الله. (۱۳۸۵). مروری بر پنجاه سال باستان‌شناسی ایران. تهران: سبحان نور، سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه).
- نجفی، سیدیدالله. (۱۳۶۹). جغرافیای عمومی استان کردستان. تهران: امیر کبیر.
- نیری، هادی. محمدرضا کرمی و ممد سالاری. (۱۳۹۶). «پهنه‌بندی خطر زمین‌لغزش از طریق ارزیابی متغیرهای محیطی با استفاده از مدل تحلیل شبکه (مطالعه موردی شهرستان بیجار)». در پژوهش‌های ژئومورفولوژی کمی، سال پنجم، ش ۴، ص ۱۲۱-۱۳۶.
- Swiny, S. (1975). "Survey in North-West Iran 1971". in *East and West*, no. 25 (1-2), pp. 77-98.

منابع و مأخذ

- الیاسوند، محمدابراهیم. (۱۳۸۵). بررسی باستان‌شناختی بخش سیلتان و خور خوره شهرستان بیجار. آرشیو میراث فرهنگی استان کردستان (منتشر نشده).
- _____ . (۱۳۸۶). بررسی باستان‌شناختی بخش طغامین و سیاه منصور شهرستان بیجار. آرشیو میراث فرهنگی استان کردستان (منتشر نشده).
- _____ . (۱۳۸۷). بررسی باستان‌شناختی بخش کرانی و گرگین شهرستان بیجار. آرشیو میراث فرهنگی استان کردستان (منتشر نشده).
- ساعد موچشی، امیر. (۱۳۹۰). بررسی الگوهای استقرار محوطه‌های دوران مس و سنگ شرق استان کردستان (حوزه آبگیر رودخانه قزل‌اوزن). پایان‌نامه دکتری. استاد راهنما: کمال‌الدین نیکنامی، تهران دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.